



شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۳
وطن امروز | شماره ۴۱۲۲

فرهنگ و هنر

اخبار

سیدصدرالدین حجازی همچنان در کماست

سوتیاشکیباز نزدیکان و همراه سیدصدرالدین حجازی با اشاره به خبری که توسط برخی مبنی بر درگذشت این بازیگر پیشکسوت مطرح شده است اظهار کرد: بسیاری با ما تماس می‌گیرند و از حال آقای حجازی می‌پرسند اما ایشان همچنان در کما هستند.

وی اضافه کرد: معیبه‌است که خود پرسنل بیمارستان امام خمینی (ره) هم می‌گویند خبرها را از فضای مجازی می‌پینند.

شکیبیا تصریح کرد: من الان دوباره به بیمارستان می‌روم ولی آقای حجازی وضعیتش تغییری نداشته‌است و همچنان در آی‌سی‌یو بستری است. پیش از این برخی نزدیکان وی خبر از درگذشت این هنرمند داده بودند.

«چرچی» در جشنواره برزیلی به نمایش درمی‌آید

فیلم کوتاه «چرچی» به کارگردانی مهدی بهزادپور، در ادامه برنامه نمایشی‌های جشنواره‌ای خود در بخش رقابتی چهارمین دوره جشنواره اولهار (Olhar) برزیل به نمایش درمی‌آید. جشنواره فیلم اولهار و تحکیم فرهنگ جشنواره‌های فیلم در آمازون و همچنین پیشنهاد تبادل سینما با سایر نقاط برزیل و جهان است. این جشنواره ۲۵ تا ۳۰ سپتامبر در شهر پاری برزیل برگزار می‌شود.

در خلاصه داستان این فیلم آمده‌است: «پسرپه‌های روستا یک تیلت هدیه می‌گیرد که با آن درش را ادامه دهد ولی از آن استفاده درستی نمی‌کند».

آتش‌تقی‌پور، پدرام ملکی، مریم‌اسدی، فریبا چابری، حسین اسکندری و ایرج ملکی بازیگران «چرچی» هستند.

پخش سریال جدید «توریست» از شبکه تماشا

با اتمام سریال «تپه‌کاران» از شبکه تماشا، سریال «توریست» جایگزین آن شده‌است. سریال «توریست» The Tourist محصول کشور استرالیا و در ژانر درام، رازآلود و هیجان‌انگیز است.

سریال «توریست» داستان مردی اهل ایرلند شمالی است که پس از اینکه ماشینش در منطقه‌ای دورافتاده در استرالیا توسط یک زن زنده کامیون‌رَموز از جاده خارج و واژگون می‌شود، در بیمارستان از خواب بیدار می‌شود. بی‌آنکه چیزی را به یاد بیاورد، مخاطبان مطمئن نیستند که او کیست، چون این شخصیت – که فقط به عنوان «مرد» شناخته می‌شود – هیچ ایده‌ای ندارد که کیست یا از کجا آمده‌است. او نه می‌تواند به یاد بیاورد از اول چه چیزی او را به استرالیا آورد و نه می‌تواند تصادف‌اندژی را که باعث فراموشی او و در بیمارستان شده، به خاطر آورد. بازیگرانی چون جیمی دران، دانیل مک‌دونال، شلوم برونه فرانکلین، اولافورداری اولافسون، دامین استروئوس، دیمون هریمن، الکس دی‌میترایز و گرگ لارسن در سریال «توریست» به ایفای نقش پرداخته‌اند.

سریال «توریست» ساعت ۲۲:۳۰ پخش و روز بعد ساعت ۱۰:۳۰، ۱۶:۳۰ و ۲۳:۳۰ بازپخش می‌شود.

عرضه «کتایفروشی پل کالج» در کتابفروشی‌ها

رمان «کتایفروشی پل کالج» نوشته مرجان کمالی به‌تازگی با ترجمه‌فرناز رحیم‌توسط نشرصاد منتشر و روانه بازار نشر شده‌است. مرجان کمالی، نویسنده ایرانی‌الصل در ترکیه متولد شده و زندگی خود را در سراسر جهان و در کشورهای مانند کنیا، آلمان، ترکیه، ایران، سوئیس، استرالیا و ایالات متحده گذرانده‌است. او کارشناسی خود را در رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه برکلی کالیفرنیا گرفته و در حال حاضر در مؤسسه نگارش خلاق گراب استریت بوستون مشغول تدریس نویسندگی است. کمالی ۲ رمان نوشته، رمان اول قصه عشق بین مادر و دختری به نام دریا و مینا است. این رمان به ۵ زبان ترجمه شده و جایزه کتاب‌ماجوسوشت را از آن خود کرده‌است.

رمان «کتاب فروشی پل کالج» دومین کتاب این نویسنده‌است که در زمهر ۳۰ کتاب‌برترمنتخب نیویورک سال ۲۰۱۹ محسوب می‌شود. این رمان نامزد جایزه پوشکارت بوده و به چند زبان ترجمه شده‌است.

نویسنده اثر پیش‌رو که مدت کوتاهی در زمان جنگ تحمیلی در ایران زندگی کرده، در بخش تقدیر و تشکر کتابش از پدرش یاد می‌کند که درباره تاریخ و جغرافیا و حتی نقشه تهران و رویدادهای سال ۱۳۳۲ از راهنمایی‌های او استفاده کرده‌است.

این رمان با ۲۸۷ صفحه، شمارگان ۲۰۰ نسخه و قیمت ۳۹۹ هزار تومان عرضه شده‌است.

انتشارات نوآوران مجموعه کتاب یادگاران را منتشر کرد

کتاب «یادگاران، جلد اول» مجموعه خاطرات جانایران ۸ سال دفاع مقدس است؛ همگی این راویان در نیمه اول سال ۱۴۰۳ زنده هستند. راویان گروهی هستند از بسیجیان قدیمی مسجد که از ۱۷- تا ۱۶- تا ۶۵ سالگی با هم بوده‌اند. حسن قوی‌بنیه، نویسنده در گفت‌وگو با این افراد توانسته کتاب را جمع‌آوری کند، البته گاه تغییراتی برای خطرناک‌نگیز شدن محتوا انجام داده که با تایید راویان توانسته به محتوا صافق باشد.

نویسنده هدفش از نوشتن این کتاب را آشنایی نسل جوان و نوجوان با افرادی که از جان خود برای دفاع از وطن گذشتند، اعلام می‌کند. این کتاب با همه مستندات ارائه می‌شود و برخی از عکس‌های این کتاب که بیشتر آنها رنگی هستند، از وضوح کافی برخوردار نیستند که دلیل این مساله کیفیت عکس اصلی اعلام شده‌است. کتاب یادگاران، جلد اول با تالیف حسن قوی‌بنیه در ۲۴۲ صفحه در قطع رقعی، با شمارگان ۵۰۰ نسخه، در سال ۱۴۰۳ توسط انتشارات نوآوران دانش منتشر شد.

حضرت امام حسین (ع):

کسی که برای جلب رضایت مردم، موجب غضب خدا شود، خداوند او را به مردم وام می‌گذارد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحبانیتاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: زماشکیبایی
سرمدیر: سیدعابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۲۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۲۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۲۷۱۳۷
پيامبرسان: vatanemrooz@vatnemrooz.ir پست الکترونیک: info@vatnemrooz.ir
چاپ: موسسه جلم‌چم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰۰



صبح دیروز پخش مجدد برنامه طنز رادبویی «صبح جمعه با شما» با ۵۲ سال سابقه آغاز شد

صدای صاحبقران



برای به روز کردن آن به این ترتیب عمل می‌کردیم! این در حالی بود که سعید توکل به طور خاص علت توقف ۶ ماهه برنامه «جمعه ایرانی» را بالا رفتن آمار حذقیات یا همان سانسور شدید «جمعه ایرانی» عنوان کرده بود و با اشاره به حمایت مدیران از برنامه‌های طنز انتقادی، شاد و مفرح گفته بود: برنامه‌هایی مثل «جمعه ایرانی» بدون وجود مدیرانی که طرفدار برنامه‌های طنز و حتی مرکز نمایش هم دوام بیاورند و ما هم منتظریم ببینیم صلاح مسؤلان جدید که در رأس رسانه و رادیو تصمیم گیرنده هستند، چیست.

به هر شکل مهر آن سال فرا رسید و خبری از برنامه «جمعه ایرانی» نشد، ماجرای که با واکنش منوچهر آذری از گویندگان سابقه و قدیمی روبرو شد. آذری در گفت‌وگویی در آن زمان علت عدم پخش را چنین توضیح داد: ظاهراً همه برنامه‌های شاد رادیو را تعطیل کرده‌اند و حتی مرکز نمایش هم فعالیتی ندارد. به سعید توکل، مدیر و تهیه‌کننده برنامه «جمعه ایرانی» هم گفته شده بیاید برنامه داشته باشید ولی «انتقاد نکنید!»؛ از آهنگ‌های آرشیوی استفاده کنید و ...

این گوینده پیشکسوت ادامه داد: خواستند به شکلی برنامه اجرا شود که با روحیه سعید توکل جور درنمی‌آمد، او هم نپذیرفت. جدا حیغم می‌آید از پخش نشدن این برنامه. ما در این برنامه بهترین‌هایی مثل فرهنگ مهرپور، منوچهر نوذری، مهین بزرگی و ... را از دست داده‌ایم.

با همه این فراز و فرودها، «صبح جمعه با شما» برای مردم کشورمان گنجینه‌ای از خاطرات شیرین و برای رسانه ملی، سرمایه‌ای ارزشمند است که با توجه به وعده‌های مکرر و هر بار عملی نشدن این وعده‌ها این بار منتظر ماندیم ببینیم آیا این جمعه «صبح جمعه با شما» روی آنتن می‌رود یا خیر که این دفعه وعده عملی شد و روز گذشته برنامه رنگ آنتن به خود دید که نشان از شناخت دقیق و درست مدیران و سیاست‌گذاران رادیو از این سرمایه ارزشمند رسانه ملی است. به امید تداوم این برنامه ماندگار.

تعطیل شد تا سال ۸۲ که با عنوان «جمعه ایرانی» روی آنتن رفت، البته این بار در کنار هنرمندان پیشکسوت، جوان‌های بااستعداد نیز حضور موثری داشتند و توانستند مخاطب این برنامه را پس از سخته‌ای نسبتاً طولانی بازگردانند.

در این میان با تغییرات مدیریتی در رادیو، به یک باره اعلام شد تولید و پخش برنامه «جمعه ایرانی» ۶ ماه متوقف می‌شود؛ برنامه‌ای که با احتساب سال‌های پخش شده عنوان «صبح جمعه با شما»، بیش از ۳ دهه عمر داشت و به یک باره به دلیل خطوط قرمز که ظاهراً به سازندگان این برنامه ابلاغ شده بود، به پایان رسید.

بهنام احمدپور، مدیر وقت رادیو ایران درباره برنامه «جمعه ایرانی» که هر هفته جمعه‌ها از شبکه رادیو ایران پخش می‌شد و به یکباره پخش آن متوقف شد، عنوان کرده بود: خود عوامل این برنامه خواستند برنامه را به صورت مجدد طراحی کنند! ما هم پیش از این و قبل از نوروز بیان کرده بودیم جدول پخش جدیدی را قرار است طراحی کنیم و همچنین می‌خواهیم تغییراتی اساسی در شبکه رادیو ایران داشته باشیم، بنابراین دوستان در برنامه «جمعه ایرانی» خودشان خواستند به دلیل اینکه این برنامه را سال‌هاست روی آنتن می‌برند، در آن تغییراتی داشته باشند و حالا قرار است از اول مهر دوباره پخش شود.

وی درباره این برنامه که پیش از آن چندین بار با حذف قسمت‌هایی از برنامه روی آنتن رفته بود، گفته بود: برنامه «جمعه ایرانی» از جمله برنامه‌هایی است که ما به آن علاقه داریم و مخاطب دارد اما همه برنامه‌ها باید با سیاست‌های سازمان هماهنگ باشند. سعید توکل، تهیه‌کننده این برنامه نیز چون از برنامه‌سازان قدیمی رادیو است، همیشه با سازمان هماهنگ بوده اما نکته اینجاست که اگر قسمت‌هایی حذف می‌شده، به این دلیل بوده که چون برنامه «جمعه ایرانی» با چند روز فاصله قبل از پخش ضبط می‌شده، برای پخش امکان داشته شکل موضوعی که درباره آن برنامه ساخته شده، عوض شده باشد و ما

اقامتی، تفریحی و درمانی برای ایشان و همچنین پخش موسیقی و برنامه‌های تفریحی برای آنها بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه‌های این رادیو متوقف شد اما پس از چند سال در تابستان ۱۳۶۴ تیمی با سرپرستی احمد شیشه‌گران دوباره رادیو دریا را در چالوس راه‌اندازی کرد. این گروه وظیفه داشتند با تولید برنامه‌های شاد، فضای مفرحی را برای مسافران شمال کشور فراهم کنند. تاثیرگذاری وسیع برنامه تولید شده توسط این گروه برنامه‌ساز موجب شد اواخر سال ۶۴ که گروه ورزش و تفریحات در رادیو ایران شکل گرفت، به صورت جدی‌تری به چنین برنامه‌هایی توجه شود و از بهار ۶۵ تطفه برنامه «صبح جمعه با رادیو» به این شکل بسته شد و در سال‌های طولانی با تهیه‌کنندگی سعید توکل و سردبیری احمد شیشه‌گران فعالیت کرد؛ برنامه‌ای که مدتی بعد تغییر نام داد و «صبح جمعه با شما» خوانده شد.

در طول سال‌های فعالیت «صبح جمعه با شما» که با نقش محوری منوچهر نوذری، احمد شیشه‌گران، سعید توکل و صادق عبداللهی همراه بود، اگرچه مخاطب رادیو به واسطه گسترش سایر ابزارهای ارتباطی کاهش یافت اما این برنامه همچنان مخاطب وفادار را داشت و به همین دلیل سرمایه‌گذاری روی این برنامه رادیویی ادامه یافت. در سال‌های پخش این برنامه چهره‌های پیشکسوتی نظیر منوچهر نوذری، رضا عبدی، منوچهر آذری، فرهنگ مهرپور و ... در نقش‌های معروفی چون امیر عبدالطعم، ملون، دست و دل‌باز، کارمند کوچولو، اوس عباس‌آقا و ... به ستاره‌های ماندگار این برنامه تبدیل شدند و حتی برخی از این کاراکترها به برنامه‌های کمدی تلویزیون نیز راه یافتند.

با این حال، این ستاره‌ها نیز یک به یک خاموش شدند و سال ۱۳۷۸ با تقسیم گروه تولید «صبح جمعه با شما» به ۲ گروه‌این برنامه به شکل موقت

گروه فرهنگ و هنر: روز گذشته با اتمام سوگواری‌های محرم و صفر، مخاطبان رادیو شاهد بازگشت مجدد یکی از قدیمی‌ترین و پرمخاطب‌ترین برنامه‌های رسانه ملی بودند؛ برنامه‌ای با عنوان «صبح جمعه با شما» که سابقه تولیدش به ابتدای دهه ۵۰ می‌رسد اما به جرأت می‌توان اذعان کرد دوران اوج این برنامه شاد و مفرح به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بازمی‌گردد؛ روزگاری که بسیاری از خانواده‌ها و مخاطبان همیشه رادیو صبح‌های جمعه با عشق و علاقه منتظر پخش آن می‌شدند و شخصیت‌هایی آن تا سال‌ها در ذهن مردم ماندگار شد. از «آقای مَلُون» و «داداشی تاکاشی» گرفته تا «آقای دست و دل‌باز» و «غضنفر لوبو»؛ همگی شخصیت‌هایی بودند که نه تنها لحن و لهجه‌های شان، بلکه تکیه‌کلام‌های شان نیز در ادبیات روزمره راه پیدا کرده بود.

در کنار تیپ‌ها و شخصیت‌های گوناگون و مختلف، گویندگان بزرگی نیز در این برنامه حضور داشتند؛ که رخت سفر بر تن کردند و به دیار باقی شتافتند؛ هنرمندانی چون منوچهر نوذری، فرهنگ مهرپور، عزت‌الله مقبلی، حسین عرفانی، شهلا نظریان و بسیاری دیگر، اما آنچه قابل تامل است اینکه با گذشت نیم قرن همچنان «صبح جمعه با شما» به عنوان یکی از جذاب‌ترین و پرمخاطب‌ترین برنامه‌های رادیو به کارش ادامه می‌دهد و با وجود تغییر نسل‌های مختلف همچنان به ذائقه مخاطبان شیرین و بامزه می‌آید؛ برنامه‌ای که در مقاطع مختلف متوقف شده و مجدد روی آنتن رفته است، حتی در یک دوره با بی‌سلیقتی مدیران وقت رادیو نام این برند ماندگار تغییر کرد اما مجدد با اهتمام ویژه بزرگان و اهالی رادیو به نام اصلی بازگشت. سابقه تولید برنامه «صبح جمعه با شما» به سال‌های پیش از انقلاب و راه‌اندازی رادیو دریا در سال ۱۳۵۱ بازمی‌گردد که هدف از راه‌اندازی‌اش، راهنمایی مسافران تابستانی شمال ایران و ارائه اطلاعات آب و هوایی، وضعیت جاده، نشانی مراکز

نگاهی به فیلم «هیوا» یازدهمین فیلم ملاقلی‌پور به بهانه زامروز او

شیرین‌ترین غزل رسول

محمد محمدی: هیوا یازدهمین فیلم سینمایی مرحوم رسول ملاقلی‌پور است؛ فیلمی عاشقانه و شاعرانه که آن را شیرین‌ترین غزل سینمای جنگ تعبیر کرده‌اند؛ فیلمی که از ابتدا قدس بود صرفاً یک مستند در سینمای دفاع مقدس باشد اما در میانه تحقیقات برای تولید مستند، ملاقلی‌پور به قصه و داستانی برخورد می‌کند که در نهایت منجر به ساخت فیلمی عاشقانه در دل جنگ می‌شود.

این کارگردان سینمای ایران در گفت‌وگویی درباره چگونگی ساخت فیلم «هیوا» می‌گوید پس از ساخت فیلم تجاری «کمک کن» قصد تولید یک مستند از تفحص شهدا را در برنامه کاری خود قرار می‌دهد اما در میانه راه با پیوند داستان عاشقانه از رابطه حمید باکری با همسرش از ماجرای تفحص شهدا تصمیم می‌گیرد «هیوا» را بسازد و اینچنین یازدهمین فیلم کارگردان سینمای ایران متولد می‌شود.

اما برآستی چرا با گذشت ۲۶ سال از ساخت، سینمای ایران در ژانر دفاع‌مقدس دانست؟ «هیوا» نه تنها یک فیلم متفاوت در ژانر دفاع مقدس است که این فیلم را باید نقطه عطفی در کارنامه کاری رسول ملاقلی‌پور دانست؛ فیلمی که بدون شک زمینه‌ساز «مزرعه پدری» به عنوان یکی از شاخص‌ترین فیلم‌های سینمای دفاع مقدس است.

کارگردان در حاشیه یکی از نشست‌های نقد و بررسی جشنواره فیلم فجر به صراحت اعلام کرده بود اگر در «سفر به جزایه» از شکست زمان استفاده خوبی داشته‌است در «هیوا» این شکست زمان و مکان به بهترین حالت ممکن رخ می‌دهد و همین تجربه باعث شد در عمیق‌ترین مدل ممکن در «مزرعه پدری»

به منصفه ظهور و بروز برسد. اما بدون شک اگر بخوایم تاثیر سبک سوررئالیسم را در سینمای ملی ایران بررسی کنیم، قطعا ایده‌آل‌ترین نمونه‌های ممکن آن را باید در همین ۳ فیلم ملاقلی‌پور یعنی «سفر به جزایه»، «هیوا» و «مزرعه پدری» فهم کرد.

عرف و الگوی آشنای فیلم‌های دفاع مقدسی، ترسیم فضای خشن و مردانه حاکم و پرداختن به جزئیات عملیات‌های مختلف است و معمولاً در چنین فضایی کمتر از عشق، عاطفه و حضور تاثیرگذار زنان خبری است. اگر هم این قالب شکسته می‌شد بیش از هر چیز حضور زن بود که تحت تاثیر فضای جنگ قرار می‌گرفت نه بالعکس که به نوعی رویکردی یک‌وجهی را به دنبال داشت.

ملاقلی‌پور قهرمان اصلی فیلم خود یعنی هیوا را از شخصیت واقعی همسر شهید حمید باکری وام گرفته‌است؛ زنی که به گفته وی به قدری حضور همسرش را واقعی و عینی ترسیم کرده و از او حرف می‌زند که بی‌اختیار همین حس را به اطرافیان خود می‌دهد و آنها را وادار به پذیرش باور ذهنی خود می‌کند.

شاید تاثیرگذاری و ماندگاری «هیوا» بیش از هر چیز به جهت تکیه بر الگویی واقعی باشد اما این ملاقلی‌پور است که به فراخور نیاز درام و قصه، این الگوی اولیه را بر بستر داستانی به شدت حساب‌شده قرار می‌دهد و اجازه می‌دهد الزامات داستانی حواشی و ابعاد شخصیت را برجسته و تعیین کنند.

«هیوا» را باید از معدود فیلم‌های دفاع مقدسی دانست که به‌درستی قهرمان زن را به عنوان شخصیت اصلی محور قرار می‌دهد و از دریچه نگاه او به جنگ و پیامدهای آن بر زندگی خود نگاه کرده و در واقع وجوه جدیدی

از جنگ و مردانش را از نگاه یک زن به تصویر می‌کشد. از همین رو است که «هیوا» را می‌توان شاعرانه‌ترین شاعرانه دفاع‌مقدس نامید. فیلم، شرح دلدادگی هیوا به همسر مفقودالاکثرش حمید است. او در برزخ ازدواج با هم‌زم سابق حمید قرار گرفته و تعلل او در پذیرش ازدواج مجدد، محملی می‌شود تا برای اتمام‌حجت با عشق قدیم، ارمان قدیم و هر آنچه از گذشته در او ریشه دارد به خانه‌مشترک خود و حمید بازگردد. او با بازگشت به ریشه‌ها و ریشه‌کنی آنها می‌خواهد از بند رها شده و به زندگی جدید بر آورد.

اما بازگشت به خانه قدیمی فقط بازگشت به یک مکان رهاشده نیست، بازگشت به خاطرات گذشته و به نوعی بازگشت به همان بندهایی است که او را همچنان پایبند حمید و امیدوار به بازگشت او کرده‌است. هیوا خاطرات خود را با حمید مرور می‌کند و در بخش مرور گذشته است که ما با چهره‌ای جدید از رزمنده آن روزها آشنا می‌شویم. رزمنده‌ای که همه هم و غم او شهادت و مرگ و لقاءالله نبوده، رزمنده‌ای که هنگام غروب تصویر هیوا را در ماه جست‌وجو می‌کرده و در دعای شبانه امید به بازگشت به سوی او را داشته، رزمنده‌ای که عاشق است و عشق را به زبان می‌آورد و ثبت می‌کند و بهانه بودن را در هیوا جست‌وجو می‌کند.

اینگونه است که ملاقلی‌پور می‌تواند سویی‌های نادیدنی از مردان جنگ را به تصویر بکشد که این‌وجه عاطفی در تضاد با خشونت حاکم بر فضای جنگ و مرگ و کشتار، چهره‌ای سمپاتیک و پذیرفتنی از آنها ثبت می‌کند. مردانی از جنس گوشت و پوست و استخوان که در بحبوحه حمله و مرگ و کشتار یک کاغذ سفید پیدا می‌کنند تا نامه‌ای بنویسند و

در انتظار رسیدن پاسخ روزها را در انتظار نامه‌سان بگذرانند. در فیلم «هیوا» از وجه مفقودالاکثر بودن حمید علاوه بر محملی برای تلقیق دنیای فراواقعی و واقعی، برای رساندن درام به مقصدی ویژه استفاده می‌شود و اینجاست که می‌توان مدعی شد جست‌وجوی تمام‌نشدنی هیوا با مأمور تحقیق و تفحص برای رسیدن به هدفی طراحی‌شده که فقط سینما و خلاقیت فیلمساز می‌تواند چنین پایانی خلق کند.

هیوا در سفری که به اعماق گذشته دارد به جای رها شدن از بند خاطرات گذشته، بیش از هر چیز در آن فرو می‌رود و اتفاقا نشانی را درست پیدا کند. هنگامی که او بنا بر الهام قلبی تونل مستور‌شده را پیدا می‌کند و به درون آن می‌رود، آخرین نامه حمید را پیدا می‌کند که هیچ وقت به دستش نرسیده‌است. او با پیدا کردن آخرین نشانه‌ای که گذشته را با زمان حال پیوند می‌دهد در واقع آخرین ارتباط خود را با زمان حال قطع می‌کند و در همان تونل که به منزله تونل زمان است، به گذشته پیوند می‌خورد و در آن غرق می‌شود.

رویاورپی هیوا با حمید را در تونل باید یکی از تأثیرگذارترین سکانس‌های فیلم دانست که هیوا خودخواسته در آتش می‌ماند و فصل آخر زندگی او با ختم به گذشته به وصلی جدید می‌انجامد.

این فصل را من بخوان باقی فسانه‌است/ این فصل را بسیار خواندم عاشقانه است

